

"جزایر سه گانه ایرانی برای امنیت و همکاری جهانی"

ابوالقاسم مظفری

دانشجوی دکتری آب و هواشناسی دانشگاه خوارزمی

چکیده:

جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی بین بندرلنگه در ایران و دبی در امارات متحده عربی قرار دارند. به دلیل قرار گرفتن عمیق ترین نقطه خلیج فارس در میانه این سه جزیره دارای ارزش استراتژیک هستند، زیرا کشتی های تجاری و نفت کش برای وارد شدن به خلیج فارس و خارج شدن از آن بایستی از این محل عبور کنند. به همین دلیل سالها در دست قدرت دریایی جهان، یعنی بریتانیا بوده و این کشور تا سال ۱۹۷۱ توانست آن را حفظ کند. اما در دهه ۱۹۵۰ میلادی بین سال های ۱۹۵۷-۱۹۵۸ دیگر قدرت ای دریایی جهان و در وهله اول امریکا، تصمیم گرفتند که ایران به عنوان یک کشور جایگزین، مسئولیت امنیت خلیج فارس را برعهده بگیرد و زمینه را برای ایجاد اوپک فراهم کنند. لذا در دهه ۱۹۷۰ میلادی تصمیم گرفته شد که اختلافات تاریخی و سیاسی کشورهای آلای حوزه خلیج فارس در وهله نخست ایران و بحرین حل شود لذا بحرین با برگزاری referendum مستقل شد و قدرت های جهانی نیز سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی را با حرکت نیروی دریایی ایران در دست گرفتند. همزمان با استقرار نیروهای ایران در این جزایر، بریتانیا نیز طبق شرایط مندرج در منشور آتلانتیک ملزم بود ۲۵ سال پس از خاتمه جنگ دوم جهانی تمام نیروهای خود را از شرق کانال سوئز تا اقیانوس هند فرابخواند. لذا این کشور پس از ۲۰۰ سال در سال ۱۹۷۱ حوزه خلیج فارس را ترک کرد و جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی به ایران بازگشت. در این نوشتار به شیوه توصیفی، تحلیلی سعی شده تا اهمیت و جایگاه ویژه جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی برای ایران بیان گردد.

کلید واژگان: جزیره تنب بزرگ، جزیره تنب کوچک، جزیره بوموسی، خلیج فارس

(۱) مقدمه:

از دیرباز تا اکنون خلیج فارس و جزایر آن همواره به عنوان یکی از مراکز مهم اقتصادی مورد توجه بوده چه در زمانی که تجارت از طریق جاده ابریشم انجام میشد چه تا زمانی که پرتغالی ها با کشف دماغه امید نیک راهی جدید به سوی این منطقه گشودند، همچنان مورد توجه قرار گرفت و این بار کشورهای استعمارگر اروپایی به اقدامات نظامی و اقتصادی در آن پرداختند، چه تا الان که سودای تصاحب نفت، گاز و ذخایر طبیعی این منطقه هر قدرتی را به حضور در آن وسوسه میکند. مناسبات تجاری این منطقه و رفت و آمد ملوانان نقش مهمی در پیوند اقتصادی میان مردمان این نواحی داشته است و همین امر باعث گردیده که کشورهای استعمارگر همچون پرتغال، اسپانیا، هلند، فرانسه، آلمان، بریتانیا و امریکا در سالیان متمادی در این منطقه رفت و آمد داشته باشند. چنین مواردی که شواهدی بیش از این هم دارد نشان می دهد که گرما مانعی برای پیشرفت این ناحیه نبوده است کما اینکه ادوار پر رونقی را در تاریخ سواحل خلیج فارس می توان سراغ گرفت که بی نظیر بوده اند. شکوه، ثروت و تجارت بنداری همچون سیراف و هرمز در متون تاریخی و جغرافیای بسیاری انعکاس یافته و نیاز به تکرار و توصیف ندارد سواحل جنوب ایران هیچگاه مانع سکونت مردمان در آنجا نشده است اما تحمل کردن

برای اروپاییان همواره مشکل بوده است و در سفرنامه آنها مشکلاتی مانند هوای گرم، آب ناکافی، بیماری‌های همه گیر ذکر شده است. معماری خاص این مناطق از گذشته تاکنون به گونه‌ای بوده است که حداکثر راحتی را برای ساکنان سواحل تا فلات داخلی را فراهم کند و این سبک معماری نور و باد را فراهم آورده است در نواحی روستایی این معماری به صورت خانه‌هایی با تزیینات اندک اما سایه‌های کافی و برخوردار از باد مناسب است. این شرایط سبب شکل‌گیری فرهنگ بومی خاص این مناطق شده است و این فرهنگ شرایط خاصی را در انطباق همه جانبه با گرما و شرایط شرجی به وجود آورده است. مهمترین عامل در معادلات بازرگانی و ارتباط بین قسمت های مختلف این جغرافیا شبکه راهها و تاسیسات وابسته به آنها است. به طور کلی این ارتباط در ازمنه قدیم از دو محور اصلی صورت می‌گرفت:

اول از طریق خشکی که مراکز شهرها و روستاها را به هم پیوند می‌داد و دوم از طریق دریا که بواسطه آن مناطق ساحلی را در دو کرانه خلیج فارس به هم متصل می‌کرد.

۲) مفاهیم و چهارچوب نظری:

ژئوپلیتیک از دو واژه ژئو مخفف ژئوگرافی یعنی جغرافیا و پلیتیک یعنی سیاست ترکیب شده است به عبارتی ژئوپلیتیک روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست را مطالعه می‌کند. در ادب فارسی قدرت به معنای داشتن توانایی است، قدرت به توان و استعداد انسان برای انجام دادن کاری که مطلوب اوست گفته می‌شود. واژه های مترادف قدرت عبارتند از: نفوذ، توانایی، اقتدار، حکم، دستور و فرمان. برخی از اندیشمندان معتقد هستند که قدرت طلبی و تمایل به داشتن قدرت از تمایلات طبیعی بشر است. هر فرد و گروهی برای رسیدن به اهداف خود بایستی قدرت داشته باشد بنابراین بر حسب شرایط و خواسته ها انواع قدرت وجود دارد: سیاسی، هنری، جسمی، علمی و اقتصادی.

سیاست عبارتند از علم اداره یک کشور یا حکومت داری. سیاستمداران، حکومت ها، نهادها و سازمان های بین المللی همه در پی دستیابی به قدرت هستند تا بتوانند از آن برای رسیدن به اهداف و آرمان های خود استفاده کنند. این افراد و گروهها را بازیگران سیاسی می‌گویند. بازیگران سیاسی با قدرت است که می‌توانند به اهداف خود برسند و منافع خود و طرفدارانشان را تامین کنند. حکومت ها با استفاده از قدرت می‌توانند در داخل یک کشور امنیت برقرار کرده و در خارج از آن اهداف خود را پیش ببرند. قدرت مانند یک شمشیر دو لبه است حکومت ها هم می‌توانند آن را به نفع ملت خود به کارگیرند و هم علیه آن ها. جوهره ژئوپلیتیک را قدرت تشکیل می‌دهد.

ارتباط جغرافیا و قدرت: عوامل و ارزش های جغرافیایی نقش مهمی در تولید قدرت برای یک کشور دارند. صاحب نظران ژئوپلیتیک معتقد هستند عواملی چون موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، داشتن منابع زیر زمینی می‌تواند موجب قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی یک کشور شود. یا برعکس موجب تضعیف کشور شوند. اعمال حاکمیت در یک سرزمین به طرق نظامی- امنیتی، سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد.

۱-۲) معروف ترین نظریه های ژئوپلیتیک عبارتند از:

۱-۱-۲) راتزل که از وی به عنوان پدر علم جغرافیای یاد می شود در قرن ۱۹ نظریه فضای حیاتی را مطرح کرد. راتزل می گفت اگر کشورهای کوچک برای جمعیت خود فضای کافی نداشته باشند و در صدد توسعه سرزمین های خود برنیایند نابودی آنها حتمی است.

۲-۱-۲) مکیندر جغرافیدان انگلیسی در سال ۱۹۰۴ در مقاله ای با موضوع تولید قدرت به خشکی ها توجه کرد. او معتقد بود بخش عمده ای خشکی های جهان سه قاره بهم چسبیده آسیا، اروپا و آفریقا است و جزیره جهانی نام دارد. او در این جزیره جهانی منطقه خشکی اوراسیا از رود ولگا در غرب تا سیبری در شرق را قلعه (دژ) جهان می دانست و می گفت این منطقه برای قدرت های دریایی غیرقابل دسترس است. مکیندر بخش مرکزی این منطقه را محور یا قلب خشکی جهان (هارتلند) نامید و معتقد بود این منطقه منبع بزرگ قدرت است و هرکس بر منابع آن مسلط شود می تواند بر کل جزیره جهانی و جهان فرمان براند.

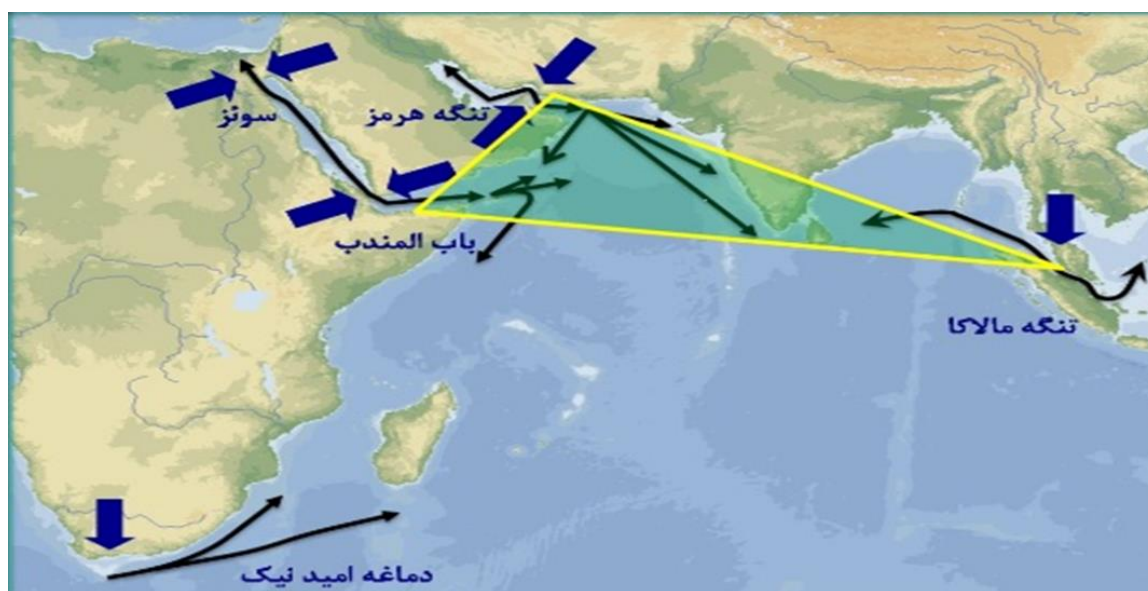


شکل ۱: هارتلند [wikipedia]

۳-۱-۲) نظریه قدرت دریایی را آلفرد ماهان مطرح کرد، وی فضاهای دریایی و اقیانوسی را در شکل گیری قدرت جهانی و کنترل و محاصره قدرت خشکی موثر می دانست.

آلفرد تیر ماهان دریاسالار امریکایی در خصوص خلیج فارس نوشته "هرگونه امتیاز به کشور دیگر همراه با کنترل سیاسی و نظامی در خلیج فارس، چه به صورت رسمی یا با غفلت و اهمال ما صورت گیرد موقعیت دریایی بریتانیا را در خاور دور، هند و آسیا به خطر می اندازد". با نگاهی گذرا به تاریخ کهن ایران زمین می توان گفت که ایران به عنوان یک کشور قدیمی و صاحب یکی از بزرگترین تمدن های تاریخ به قسمت های گسترده از آسیا از جمله خلیج فارس و جزایر آن تسلط و حاکمیت بی رقیب، مستمر و چند هزارساله داشته و حاکمیت جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی تا قبل از اشغال این جزایر توسط بریتانیا (۱۹۰۳-۱۹۷۱) متعلق به دولت ایران بوده است. در خلال سال های ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی دریانوردان جهان به ویژه مهاجمان پرتغالی که به اقیانوس هند و خلیج فارس تردد داشتند معتقد بودند هر دولتی

که به سه تنگه باب المندب، هرمز و مالاکا تسلط داشته باشد بر جهان مسلط خواهد بود، این قضیه تا امروز همچنان معتبر است.



شکل ۲: تنگه های مهم جهان

از دیرباز تا اکنون خلیج فارس و جزایر آن همواره به عنوان یکی از مراکز مهم اقتصادی مورد توجه بوده چه در زمانی که تجارت از طریق جاده ابریشم انجام می شد چه تا زمانی که پرتغالی ها با کشف دماغه امید نیک راهی جدید به سوی این منطقه گشودند، همچنان مورد توجه قرار گرفت و این بار کشورهای استعمارگر اروپایی به اقدامات نظامی و اقتصادی در آن پرداختند، چه تا الان که سودای تصاحب نفت، گاز و ذخایر طبیعی این منطقه، هر قدرتی را به حضور در آن وسوسه می کند. همواره این ناحیه به عنوان پیوند دهنده سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و دروازه ورود به هارتلند زمین، اعتبار خود را حفظ کرده و خواهد کرد.

۲-۲) موقعیت جغرافیایی منطقه:

از نظر طبیعی خلیج فارس دریایی هلالی شکل است که در عرض جغرافیایی ۲۴ درجه و ۳۰ دقیقه شمالی تا ۳۰ درجه شمالی و در طول جغرافیایی ۴۸ درجه شرقی تا ۵۸ درجه و ۳۰ دقیقه شرقی واقع شده و از مشرق با دریای عمان و اقیانوس هند مرتبط بوده و دارای ۱۰۰۰ کیلومتر طول و ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر عرض است. مساحت آن ۲۲۶ هزار کیلومترمربع می باشد و عرض آن در تنگه هرمز ۵۷ کیلومتر است. اهمیت جهانی خلیج فارس و جزایر آن در دوران معاصر از سال ۱۹۰۸ میلادی و با کشف اولین چاه نفت در مسجد سلیمان دوچندان شد و هنوز از اهمیت آن کاسته نشده است. :

جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی در جنوبی ترین قسمت ایران واقع شده اند و از لحاظ تقسیمات کشوری جزئی از استان هرمزگان می باشند.

۲-۲-۱) تنب بزرگ: این جزیره در شمال خط میانه خلیج فارس بوده و نسبت به دیگر خطوط کرانه به کرانه های ایران نزدیک تر است. در ۳۱,۵ کیلومتری جنوب غربی قشم، ۵۵,۷ کیلومتری بندر لنگه و فاصله بیش از ۸۵,۲ کیلومتری از شیخ نشین راس الاخیمه قرار دارد. واژه تنب در گویش محلی مردمان تنگستان به معنای تپه است.

جیمز موریه؛ دیپلمات انگلیسی در کتاب سفری به ایران و خلیج فارس نوشته: در بیستم فوریه ما نزدیک دو جزیره ای بودیم که تنب بزرگ و کوچک نامیده می شوند و در طرف ایرانی و دارای نام های فارس بوده و تکه سرزمین های خشک هستند. (WIKIPEDIA)

۲-۲-۲) تنب کوچک: در ۱۴,۸ کیلومتری جنوب غربی تنب بزرگ صخره ۳۵ متری تنب کوچک قرار دارد که در گویش محلی تنبو (TONBU) نامیده می شود. این جزیره غیر مسکونی است.

۲-۲-۳) بوموسی: این جزیره در عرض جغرافیایی ۲۵ درجه و ۳۰ دقیقه شمالی تا ۲۵ درجه و ۳۲ دقیقه شمالی و در طول جغرافیایی ۵۵ درجه ۶ دقیقه شرقی تا ۵۵ درجه و ۲۳ دقیقه شرقی واقع شده. این جزیره در فاصله ۵۷,۴ کیلومتری جزیره ایرانی سیری و در ۷۷,۸ کیلومتری جنوب بندر لنگه اقع گردیده است و فاصله آن تا بندر شارجه ۷۴ کیلومتری است. شکل تقریبی آن مستطیلی است و تقریباً ۵,۵ کیلومتر طول دارد. در قسمت های جنوبی و مرکزی جزیره دشت های شنی قرار دارد. در شمال جزیره قله آتشفشانی حلوا قرار دارد که ارتفاع آن ۱۱۰ متر است. در این جزیره تعدادی چاه آب شیرین قرار دارد که از آب آنها در مصارف آشامیدنی استفاده می شود. ذخایر اکسید آهن آن شهرت دارد. نفت بوموسی نیز از بهترین کیفیت برخوردار است که در نزدیکی میدان مبارک تولید می شود. در جزیره بوموسی در طرف ایرانی بیش از ۲۰۰۰ نفر و در طرف شارجه بیش از ۷۰۰ نفر سکونت دارند.



شکل ۳: موقعیت جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی

۳-۲) اقلیم منطقه:

ناحیه جنوب ایران در فرهنگ کهن ایران زمین "هیران" به معنی گرما نامیده می‌شود این ناحیه با قرار گرفتن در عرض جغرافیایی ۲۴ درجه و ۳۰ دقیقه و نزدیکی به مدار راس السرطان و حاکم بودن سیستم پرفشار جنب حاره STHP و در سال های اخیر به دلیل تغییر اقلیم و رخداد گرمایش جهانی و حاکم بودن کمربند همگرایی جنب حاره ITCZ دارای اقلیمی گرم است.

به دلیل حاکمیت بادهای موسمی جنوب غربی در نیمه گرم سال، این ناحیه در خط تند بادی شدید قرار دارد و هر کشتی که خارج از فصل مقرر حرکت کند با خطر طوفان و تند بادهای دریایی مواجه است. جریان بادهای حاکم بر این منطقه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

۳-۲-۱) بادهای عمومی و منطقه ای:

۳-۲-۱-۱) بادهای غربی: زمستان های خلیج فارس تحت تسلط بادهای غربی قرار می‌گیرد که توسط این بادهای سیکلون های مدیترانه ای به این ناحیه وارد شده و سبب ایجاد طوفان می‌شوند که در حال حاضر تاثیر این بادهای به دلیل تغییرات اقلیمی کاهش پیدا کرده است.

۳-۲-۱-۲) بادهای موسمی: این بادهای که به باد موسمی جنوب غربی معروف هستند در اثر جابجایی فصلی کمربند همگرایی جنب حاره در ژوئن بر روی خشکی های نیمکره شمالی به وقوع می‌پیوندد به وجود می‌آیند.

۳-۲-۲) بادهای محلی:

۳_۲_۲!) بادشمال: در سواحل خلیج فارس مردم بومی باد شمال غربی را باد شمال می‌گویند و مشخصات آن با توجه به فصل تغییر میکند. در تابستان به مدت ۴۰ روز با شدت می‌وزد و گرد و غبار بسیاری را به همراه خود می‌آورد که تمام خلیج فارس را می‌پوشاند ولی در زمستان همراه با سرما بوده و مدت آن کمتر است.

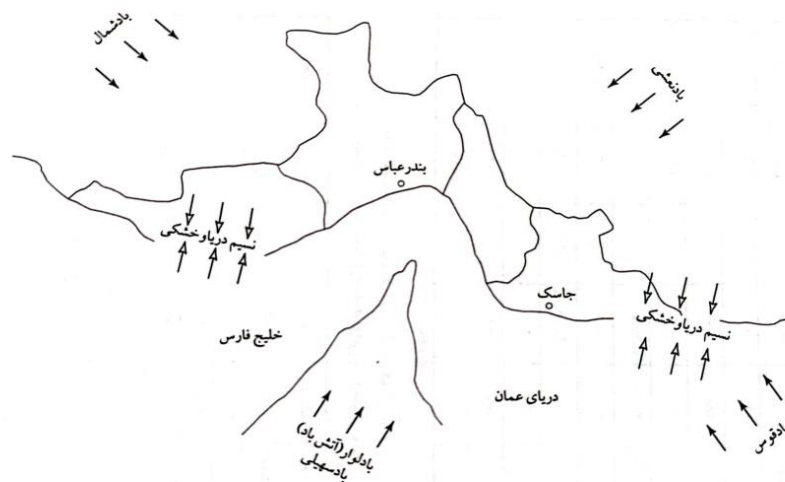
۳_۲_۲) باد نعشی یا ناشی: به باد شمال شرقی گفته می‌شود. در سواحل ایران در فصل زمستان می‌وزد در تنگه هرمز این باد گاهی شدید و پس از آن آرام می‌شود و از ۳ تا ۵ روز دوام دارد. با آرام شده این باد ابرها تشکیل شده و باران می‌بارد.

۳_۲_۳) باد قوس (شرقی، شرعی، قوش): نامی است که به باد جنوب شرقی و گاهی نیز بادهای شرقی داده می‌شود. در تابستان بادهای قوس در سواحل مکران تا حدود تنگه هرمز می‌وزند و باران کمی ایجاد می‌کنند و گاهی نیز سبب شرعی شدن و گرم تر شدن هوا می‌شوند. این بادهای در زمستان سبب بارش و در تابستان سبب ایجاد گرمای زیاد می‌شوند.

۳_۲_۴) باد سهیلی: نام محلی باد جنوب غربی است که تنها در زمستان می‌وزد، در خلیج فارس اهمیت چندانی ندارد ولی در دریای عمان به غیر از زمستان اهمیت دارد، بعد از وزش باد قوس شروع می‌شود دوام چندانی ندارد و همراه با باران و طوفان بوده و سبب خسارت در سواحل ایران می‌شود. دریانوردان ایرانی در گذشته هنگام وزش این باد از افریقا به بازمی‌گشتند.

۳_۲_۵) باد دلوار (آتش باد): در تابستان و از اواخر اردیبهشت تا شهریور می‌وزد. جهت جنوب غربی داشته و به خاطر گذشتن از صحرای عربستان گرم و سوزان است. این باد به رسیدن خرما کمک می‌کند و برای درختان و نهالهایی که تازه کشت شده اند مضر است.

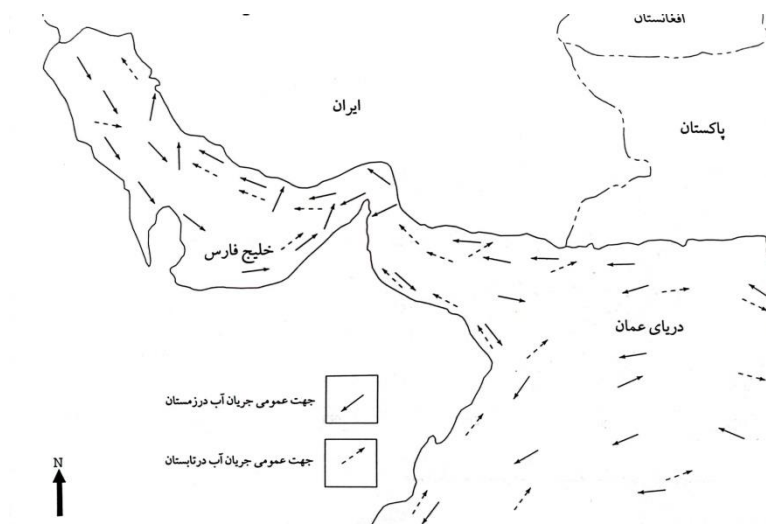
۳_۲_۶) نسیم دریا و خشکی: در روز بر روی خشکی فروبار و بر روی دریا فرابار تشکیل می‌شود و سمت باد از دریا به خشکی است و در طول شب با جابجایی این مراکز جهت باد عکس می‌گردد.



شکل ۴: جهت بادهای منطقه

۴-۲) هیدرولوژی منطقه:

دو عامل مهم در کشتی رانی در خلیج فارس موثر است؛ طبیعت فیزیکی و جریان وزش بادهای منطقه. اقلیم این منطقه به دلیل نزدیک بودن به اقیانوس هند تا حد زیادی از اقلیم اقیانوس هند و بادهای غالب آن تاثیر پذیر است و سبب می شود در کناره های سواحل ایران جریانات آب از شرق به غرب و در کناره های سواحل جنوبی آن از غرب به شرق باشد. البته به دلیل وجود جزایر و پراکندگی آنها گاهی بی نظمی هایی مشاهده می شود، سرعت جریانات آب در خلیج فارس کم و حدود ۱۰ سانتی متر در ثانیه می باشد. مد آب به سمت غرب و شمال غرب و جزر آب به سمت شرق و جنوب شرق است که برآیند کلی جریان آب شمال غربی - جنوب شرقی است. به همین دلیل ما شاهد یک جریان بسته می باشیم که سبب می شود هرگونه فعالیت در این آبراهه (چه مثبت و چه منفی) نتایج آن متوجه همه کشورهای حاشیه آن خواهد شد برای نمونه در زمان جنگ تحمیلی عراق و کشورهای همپیمان وی علیه ایران تعداد زیادی مین های ضد کشتی به آب انداخته شد که به دلیل وجود همین جریانات دریایی، این مین ها در نقاط مختلف گزارش شد و تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس با مسئله مین روبی مواجه گردیدند و سواحل بسیاری از کشورها نامن اعلام شد. که در این نمونه بالا استفاده نظامی از وضعیت طبیعی حاکم بر یک آبراه مشاهده می شود. مهمترین رودهایی که به خلیج فارس می ریزد عبارتند از: کارون، کرخه، دالکی و مند.



شکل ۵: جهت جریات آب در خلیج فارس

۵-۲) ساخت زمین شناختی:

این جزایر تقریباً گنبدی شکل هستند و هسته مرکزی آنها از نمک تشکیل شده است. این گنبدها نتیجه عوامل درونی و وزن مخصوص کمتر نمک نسبت به اطراف خود که از اعماق زمین همراه با شکستگی و گسل به صورت تاقدیس ساده تقریباً به سطح زمین بالا آمده است. این گنبدهای نمکی فوایدی دارند که عبارتند از:

۵-۲-۱) استفاده از گنبدهای نمکی به عنوان نمک طعام برای انسان و حیوان، چه اینکه در گذشته نیز از این مناطق نمک به مقصد هند و کشورهای آسیای جنوب شرقی و بندر مانتایی در سریلانکا صادر می شده است.

۵-۲-۲) استخراج معادن آلی (نفت و گاز) و کانی خاک سرخ به عنوان نمونه نفت بوموسی که جز با کیفیت ترین نفت ها است.

۵-۲-۳) استفاده در صنایع شیمیایی.

۵-۲-۴) اکوتوریسم: باتوجه به تغییرات اقلیم رخ داده در سال های اخیر و حاکم شدن رژیم بارشی موسمی جنوب غربی و کمربند همگرایی جنب حاره (ITCZ) و افزایش بارش ها در فصل تابستان ضرورت برنامه ریزی مدیران و مسؤولان زیربط جهت بهره برداری از این منابع آب در برنامه های آمایش این منطقه ضروری است. مثل ایجاد سد و بند و فضای سبز، که خود پتانسیل خوبی برای ایجاد تفرجگاه و پرورش آبزیان است.

۶-۲) خطر آلودگی آبهای منطقه:

به دلیل اینکه قسمت اعظم فعالیت های صنعتی و اقتصادی استان هرمزگان در غرب این استان واقع شده است و مزید بر آن جهت گردش آب در خلیج فارس، پس آب های صنعتی و فلزات سنگین به آب وارده شده که این خود باعث بالارفتن دمای آب و در نتیجه آلودگی حرارتی آب این مناطق شده است که اکوسیستم این جزایر را تحت تاثیر قرار می دهد و سبب از بین رفتن گونه های آبزیان و مرجان های دریایی می شود. این آلودگی ها عبارتند از: ورود فاضلاب شهری، ورود فاضلاب صنعتی، تردد شناورها و کشتی ها، ورود سموم و کودهای کشاورزی، استخراج و حمل فرآورده های نفتی، تخلیه و بارگیری مواد مصرفی و شیمیایی در اسکله. موارد فوق خود سبب افزایش پدیده کشند قرمز در سطح آب های این منطقه می گردد و خسارات جبران ناپذیری به اکوسیستم آبی و آبزیان وارد می کند.

(۳) روش تحقیق: در این پژوهش به شیوه توصیفی، تحلیلی سعی شده تا اهمیت و جایگاه ویژه جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی برای ایران بیان گردد.

(۴) تجزیه و تحلیل یافته ها:

ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم و تاثیرگذار و مدعی در منطقه با دارا بودن بیش از ۱۳۷۵ کیلومتر مرز آبی در حاشیه شمالی خلیج فارس از بندرعباس تا دهانه فاو ۴۵,۳ درصد از سواحل خلیج فارس را شامل می شود. خلیج فارس از دیرباز تا کنون یکی از یکی از حساس ترین مناطق جهان از نقطه نظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بوده است و در عرصه مناسبات بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. به نوعی میتوان این منطقه را محل انعکاس سیاست های بین المللی نامید. تجربه ثابت کرده است تا زمانی که سه کشور ایران، عراق و عربستان به یک وجه مشترک از لحاظ تامین امنیت نرسند حضور قدرت های فرامنطقه ای، در خلیج فارس حتمی است. و این روند به دلیل استراتژی تامین انرژی حداقل تا سال ۲۰۵۰ ادامه خواهد داشت. (عزتی، ۱۳۹۸، ۱۵۱)

از لحاظ نظامی ارزش جزایر ایران را در خلیج فارس میتوان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) دسته جزایری که در تنگه هرمز بین دریای عمان و خلیج فارس قرار گرفته اند.

ب) دسته جزایری که در داخل خلیج فارس و در مجاورت کرانه ها واقع شده اند.

برای جزایر دسته اول دو نوع ارزش نظامی میتوان قائل شد؛ در ابتدا تحت حاکمیت قرار دادن پدافند از تنگه هرمز برای تسلط به خلیج فارس و دوم پدافند از کرانه های بندرعباس. اهمیت خلیج فارس را میتوان در تجارت دریایی و وجود منابع عظیم نفت و گاز در بستر آن و انواع ماهی و میگو دانست. خلیج فارس از مهمترین مراکز صید و پرورش مروارید است.

ایران برای محافظت از تنگه هرمز در مقابل هر نوع تهدید خارجی پس از خروج بریتانیا در اوایل دهه ۱۹۷۰ در منطقه ورودی خلیج فارس چندین جزیره استراتژیک دارد که به اصطلاح خط منحنی دفاعی فرضی را تشکیل می‌دهند (مجتهدزاده، ۱۳۹۴، ۳۴) و این جزایر از بیشترین اهمیت برخوردار هستند. این جزایر عبارتند از: هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی. ارزش استراتژیک این جزایر از طریق استقرار تعداد معینی از نیروی تدافعی در آن می‌باشد. با مطالعه جغرافیای جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی در این خط منحنی استراتژیک دفاعی در ورودی خلیج فارس، حساسیت ایران نسبت به هرگونه ادعای مالکیت در منطقه بهتر درک می‌شود. این جزایر به لحاظ روانشناختی هم برای اعراب و هم ایرانیان که در حال رقابت برای نفوذ و احترام منطقه ای هستند، مهم هستند. آنها نمادهای قدرتمند ملی گرای، موقعیت، پرستیژ و اقتدار منطقه ای هستند. (نهیان، ۲۰۱۳، ۲۹)



شکل ۶: خط دفاعی متکی به جزایر

۶) نتیجه گیری:

پهنه جغرافیایی خلیج فارس، جزایر و مراکز بندری آن همواره یکی از کانون های مهم تجارت در بین شرق و غرب آسیا بوده است و این مهم بیشتر تحت تاثیر تحولات سیاسی و ظهور و سقوط نظام های حاکم بر آن می‌باشد. هرگونه اقدامی در زمینه تسهیل شرایط برای تجارت و ایجاد امنیت و امکانات در این جزایر منجر به سکونت و رواج اقتصادی بیشتر این جزایر می‌گردد، چرا که رونق یا انحطاط مراکز بندری و تجاری واقع در خلیج فارس بیشتر از هر عامل دیگری ناشی از شرایط سیاسی ایران و تغییرات و تبدیلات پیوسته و مکرر در نظام های سیاسی حاکم بر ایران بوده و این امر پیوند هرچه بیشتر بر سرنوشت و تحولات خلیج فارس را با موقعیت نظام های سیاسی حاکم بر کشور ایران نشان می‌دهد. مساله ای که در تمام ادوار به وضوح نمایان بوده و امروز بیش از هر دوره نیاز به تلاش برای افزایش پیوندهای کشورمان با خلیج فارس و جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی احساس می‌شود و مبین آن است که خلیج فارس و جزایر مذکور همواره ایرانی بوده و در پیوند با سیاست و جامعه ایران معنا می‌پذیرد. خلیج فارس و جزایر سه گانه (تنب بزرگ، تنب کوچک و

بوموسی) اجزایی جدایی ناپذیر از هویت فرهنگی و تاریخی ایران هستند، دستگاه دیپلماسی کشور بایستی با رویکرد مداوم و جامع در برابر هرگونه ادعای بی اساس مقابله کند با اجتناب از واکنش های سطحی و تمرکز بر تقویت دیپلماسی فعال، استفاده از ابزارهای حقوقی و بین المللی و ارتباطات موثر حقانیت ایران را در این زمینه ثابت کرد. رویکردهای مقطعی نه تنها موضوع را حل نمیکند بلکه ممکن است به تقویت ادعاهای سست بیانجامد. و منازعه بر سر این جزایر فقط سبب از بین رفتن امنیت منطقه برای تمام طرف ها را در پی دارد.

منابع و مأخذ:

آجرلو، محمدجعفر و باپیری مسعود، (۱۳۹۲)، نقش تنگه هرمز و جزایر شمالی آن در تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، ۲۱(۸۴): ۹۹-۱۳۴.

عزتی، عزت اله، (۱۳۹۸)، جغرافیای نظامی نوین ایران، تهران، انتشارات دافوس، ۳۵۵/۴۷۵۵.

عزتی، عزت اله، (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، سمت، ۳۵۵/۴۷۵۵.

طبرسا، نقی، (۱۳۹۰)، جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس- پژوهشی تاریخی- حقوقی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر، تهران، ۹۵۵/۷۳۵۶.

مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۹۴)، جغرافیای سیاسی دریایی جزایر تنب و بوموسی در خلیج فارس، تهران، کانی مهر، ۳۸۲۹۰۳۵.

میرحیدر، دره، (۱۳۹۲)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، سمت، ۳۲۰/۱۲.

Cordesman, Anthony H. (2004), Iran's Developing Military Capabilities, Washington, Dc, Center For Strategic And International Studies (Csis).

Glassner, martin ira (1986), the new political geography of the sea, political geography quarterly, 5(1): 6-8.

Klein, Natali (2011), Maritime Security And The Law Of The Sea, New York, Oxford University Press .

Modelski, George & Thompson, William R. (1988), Seapower In Global Politics, 1494 - 1993, Houndmills, Basingstoke, Hampshire And London, The Macmillan Press Ltd .

Modelski, George & Thompson, William R. (1988), Seapower In Global Politics, 1494 - 1993, Houndmills, Basingstoke, Hampshire And London, The Macmillan Press Ltd.